

بن لادن، القاعده و انزوای تروریسم بین المللی

روزنامه شرق، سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰

سیدعلی محمودی

۱. کشته شدن اسامه بن لادن رهبر تشکیلات تروریستی القاعده رویدادی عبرت‌انگیز است؛ چرا که فرجام زندگی شخصی را رقم می‌زند که از عوامل اصلی ترس، کشتار، خشونت‌گرایی و ناامنی در جهان امروز است. او از مصداق‌های بارز «ظلم» به‌شمار می‌رود، واژه‌ای که در آموزه‌های دینی بسیار نکوهیده است، و سازمان‌های تروریستی که سهل است، حتی قادر است حکومت‌های قدرتمند را نیز به زیر آورد. به واقع، «ظلم» صفتی است که در درازنای تاریخ، «کفر» را روسفید کرده است؛ چراکه به سخن پیامبر اسلام (ص)، حکمرانی با کفر به حیات خود ادامه می‌دهد، اما با ظلم پایدار نمی‌ماند. (الملک بقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم).

۲. بن مایه ایدئولوژی بن لادن و القاعده، برآمده از قرائت بنیادگرا از اسلام است؛ قرائتی به شدت تحریف‌آمیز، وهم‌آلود، متصلب، جزمی، خشونت‌طلب، متعصب و خشک‌مغز؛ قرائتی فاشیستی که کشتار یک قلم ۳۰۰۰ نفری در انفجار ساختمان‌های نیویورک در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، برای پذیرندگان آن مانند نوشیدن یک لیوان آب سرد است. البته آدم کشی‌های بن لادن دامنه‌ای گسترده داشته است: در سراسر جهان، از اروپا گرفته تا آسیا، و قربانیان بسیار گرفته است، از مسلمان تا مسیحی، و از میان اقوام و نژادها و فرهنگ‌های گوناگون. موجب خرسندی است که نه تنها اهل دانش و خرد در جای‌جای جهان، بلکه سیاستمداران بزرگ در شرق و غرب، پذیرفته‌اند که قرائت تروریستی از اسلام، هیچ نسبتی با اسلام ندارد، بلکه تحریف جفاکارانه و ناجوانمردانه از گوهر و حقیقت، ظاهر و باطن دین است.

جنبش‌های مدنی خاورمیانه در ماه‌های اخیر به روشنی نشان داد که مردم تونس، مصر، یمن، اردن، بحرین، سوریه و حتی لیبی، با پذیرش ظرفیت‌های مبارزه مدنی و دموکراتیک، مانند نافرمانی مدنی، روش‌های خشونت‌آمیز، تروریستی و انقلابی را پشت‌سر نهاده‌اند. امروزه گفتمان فراگیر در خاورمیانه، گفتمان تغییر و اصلاحات بنیادین، با پرهیز از خشونت ورزی و کشتار است. حتی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، مردم برای دفاع از خویش نیز به زور متوسل نشده‌اند. به عنوان نمونه، آنان در بحرین و سوریه، در مقابل هجوم تانک‌ها و دیگر جنگ‌افزارهای سنگین، شعار آزادی، دموکراسی و استقلال سر داده‌اند، اما از به کار گرفتن سلاح خودداری ورزیده‌اند. اکنون در خاورمیانه، بیش از هر زمان دیگر، اسلام با قرائت تروریستی و فاشیستی به انزوا کشیده شده است. به همین دلیل است که روش‌های مبارزات مردم به نفرت، انتقام‌جویی و خشونت آغشته نشده است. از همین‌رو است که در هیچ‌یک از کشورهای یاد شده، جای پای سازمان‌های تروریستی و افراط‌گرایان آدم‌کش در عرصه‌های گوناگون جنبش‌های مدنی به چشم نمی‌خورد.

۳. بن لادن رفته است، اما جهان ما به این زودی‌ها از آسیب‌های تروریسم جهانی در امان نخواهد ماند. زمینه‌های خشونت یا علت‌های ظهور تروریسم، مانند خودکامگی، بی‌عدالتی، تبعیض، حاشیه‌نشینی، انزوا، ناامیدی و نفرت، همچنان جهان را آبتن افراط‌گرایی و تروریسم می‌کند. این زمینه‌ها در بستر جهانی شدن، فناوری ارتباطات و فضاهای مجازی، فرصت رشد یافته و علی‌الذوام خود را از قوه به فعلیت درمی‌آورد و باز تولید می‌کند. در برابر زمینه‌های بروز ترور و خشونت در جهان، هم کشورهای خاورمیانه مسوولیت دارند و هم کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا و هم چنین نهاد‌های بین‌المللی. تا زمینه‌ها و ریشه‌های تروریسم از میان برداشته نشود، خشونت‌گرایی بین‌المللی، هر روز قربانی‌های افزون‌تری خواهد گرفت.

۴ - تمام رهبران سیاسی، کشورها و گروه‌هایی که با حمایت‌های سیاسی، مالی و تبلیغاتی خود از القاعده و اسامه بن لادن، یا با سکوت در برابر ظلم‌ها و جنایت‌های این گروه و همچنین طالبان، به گسترش و تقویت تروریسم یاری رسانده‌اند، در برابر افکار عمومی جهانیان، عناصری بزه‌کار و محکوم‌اند و باید پاسخ‌گوی اعمال خود باشند و در مواضع و رفتار خود تجدیدنظر کنند. یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های سیاسی معاصر، گره زدن مبارزات حق‌طلبانه مردم فلسطین به سازمان‌های تروریستی همانند القاعده است. دردآور آنکه برخی از فلسطینی‌ها، خود، با حمایت از صدام حسین و اسامه بن لادن، عامل این گره‌افکنی شرم‌آور

شده‌اند. آنان به‌طور رسمی کشته شدن بن‌لادن را به عنوان «مجاهد عرب» محکوم کرده و دعا می‌کنند که «رحمت خداوند شامل حال او و تمامی مومنان و شهیدان باشد.» به کارنامه سراسر خون و جنایت بن‌لادن - که در واقع نمودار بزرگ آدم کشی است - بنگرید و قضاوت کنید آیا او به راستی مسلمانی «مجاهد»، «مومن» و شهید است؟ در میان مسلمانان، آن کس مومن، مجاهد و شهید است که صرفاً در برابر هجوم نظامی دشمن متجاوز از خود «دفاع» کند و در دفاع مشروع، به غیرنظامیان آسیبی نرساند. ترور به هر شکل و با هر انگیزه بر پایه کتاب و سنت، در اسلام محکوم است. جعلیاتی مانند «ترور خوب» و «ترور بد» و بستن آن به دامن اسلام، چیزی نیست جز توجیه دست‌های آلوده به خون انسان‌های مظلوم و بی‌گناه و استفاده ابرازی از دین برای شستشوی مغزی بی‌خبران و تحمیق ساده لوحان. چنین اندیشه‌ها و مواضع جانبدارانه از تروریسم، منطبق «دفاع از خود» فلسطینی‌ها را که حقی مشروع و پذیرفته شده از سوی ادیان و مکتب‌های انسانی است و در «منشور ملل متحد» صورت‌بندی شده، لکه‌دار می‌کند و زمینه سوءاستفاده برخی قدرت‌ها در توجیه کشتار فلسطینی‌ها را فراهم می‌سازد. صاحبان این‌گونه اندیشه‌ها و مواضع، باید از برادران و خواهران عرب خویش در مصر، تونس، سوریه، بحرین و یمن، شیوه‌های تدبیر و سیاست‌ورزی را بیاموزند و دریابند که سطوح عقلانیت در خاورمیانه ارتقاء یافته و شیوه‌های مدنی جایگزین رسم‌های بدوی شده است.

۵. بن‌لادن و ملا عمر به عنوان سرشاخه‌های شجره خبیثه تروریسم بین‌الملل از بستر ناآگاهی، محرومیت و نابالغی فرودستانی تغذیه می‌کنند که خود قربانی ستمگری، بی‌عدالتی و تبعیض‌اند. برای ریشه‌کن ساختن این درخت مسموم و زهرآگین، نخست باید از حجم محرومیت، ناآگاهی و تبعیض کاست. دوم، برابری را در مبارزه با تروریسم در جهان حاکم ساخت. اعمال تبعیض در برخورد با سازمان‌ها و دولت‌های تروریستی، نقض آشکار کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. تا زمانی که از سوی اسرائیل با دست‌گشاده در کار تروریسم دولتی است و هیچ قدرتی مانع آن نیست و از سوی دیگر، صرفاً با سازمان‌هایی همانند القاعده و طالبان در پاکستان، افغانستان و عراق مقابله می‌شود، کار مبارزه جهانی با تروریسم به سامان نخواهد رسید. سوم، لازم است دولت‌های واقع در جغرافیای تروریسم، به ویژه خاورمیانه، در جد کردن ریشه‌های تغذیه درخت تروریسم از تنه و شاخه‌های آن بکوشند. افزون بر اصلاحات اقتصادی و رفع تنگناهای معیشتی، لازم است آموزش و پرورش در کشورهای همچون پاکستان، افغانستان و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا به سمت و سوی آموزش‌های علمی و مدنی دگرگون شود. از یاد نبریم که مدرسه‌های سنتی سلفی‌ها و بنیادگرایان در مناطق یاد شده، که شمار آنها به هزاران باب می‌رسد، از عمده‌ترین خاستگاه‌های ایدئولوژی‌های تروریستی و خشونت‌آمیز است. گفت‌وگو با جماعت‌هایی که به قرائت بنیادگرا و خشونت‌گرا از اسلام باور دارند، باید آغاز شود و تداوم یابد. اگر جرعه‌ای از آب شیرین و گوارای اسلام رحمانی و اخلاق انسانی به جوانان متعصب و شورشگری که در دام بن‌لادن‌ها و ملا عمرها گرفتار شده‌اند، هدیه شود، کام آنان شیرین و چشم‌های آنان شست‌وشو می‌شود. آنگاه با چشم‌های باز خواهند دید که خاورمیانه در حال دگرگون شدن است و حق را با راه و رسم مبارزه مدنی باید ستاند و نه با شیوه‌های ضد انسانی قرون وسطایی.

مبارزه با تروریسم بین‌المللی مبارزه‌ای «انسانی» و درازمدت است. اگر این مبارزه از چنبره سیاست خدعه‌آمیز، فریبکار و فایده‌گرا خارج نشود و جامعه انسانی و اخلاقی به بر نکند، تروریسم - که متأسفانه بیشتر قربانیان آن، انسان‌های بی‌گناه‌اند - با خشونت‌های فزاینده در جهان ادامه خواهد یافت.

۶. با یدی این پیام را به گوش رهبران، اعضا و هواداران القاعده و طالبان برسانیم که دیری است منطبق مبارزه تروریستی و خشونت‌آمیز، هرچند با انگیزه‌های عدالت خواهانه، در هم شکسته و فرو ریخته است. راه درست و چاره کار آن است که این افراد، مبارزه تروریستی و انتحاری را کنار بگذارند و به مبارزه سیاسی روی آورند. آنان دیر یا زود در خواهند یافت که روز به روز در عرصه افکار عمومی، تنها تر و تنها تر می‌شوند و مردم جهان و به ویژه جوانان آگاه جهان اسلام، از آنان بیشتر فاصله می‌گیرند. پس بیش از این در خون و جنایت غوطه ور نشوند. دست‌های خون‌آلود خود را بشویند و به درگاه الهی توبه کنند و تمام توش و توان خویش را در راه آزادی، عدالت و پیشرفت، در چارچوب فراخ و کارآمد مبارزه سیاسی و مدنی به میدان آورند.